

اظهارنظرهای غیرکارشناسی کاربران مجازی و سلبریتی‌ها چگونه سرنوشت پرونده‌های مهم را تغییر می‌دهد؟

# موج سازی روی خط قصاص

یکی از داغ‌ترین موضوعات این روزهای فضای مجازی، اعدام شدن یا نشدن آرمان است؛ پسر جوان ۲۴ ساله‌ای که به دنبال دوستی با دختری به نام غزاله و سپس قتل او، سرنوشت‌اش تغییر کرد و حالا تیک تاک ساعت پایان عمر او به صدا درآمده است. مردم سه گروه شده‌اند؛ گروهی معتقدند اعدام حق آرمان است و او تقاص جرمی را که انجام داده است باید پس دهد، گروهی دیگر می‌گویند هفت سال ماندن پشت میله‌های زندان، آرمان را متنبه کرده و او از کرده خود پشیمان است و از والدین غزاله درخواست بخشش دارند. عده‌ای هم نظرشان این است که مردم و افراد شاخص جامعه مانند سلبریتی‌ها نباید به این موضوع ورود کرده و مادر و پدر غزاله را وادار به گذشت از حق قانونی خود کنند. پدر و مادر غزاله پیش شرط بخشش آرمان را از سال‌ها پیش مطرح کرده و گفته‌اند اگر آرمان جسد غزاله را به آنها نشان دهد، از قصاص او گذشت خواهند کرد. آرمان اما تاکنون هیچ نشانه‌ای از جسد غزاله به والدین دختر جوان نداده و همین باعث شده تا پدر و مادر او در اجرای حکم قصاص مصرت‌تر بشوند.

لیلا حسین زاده

تیش

## امیرحسین و ستایش



۲۲ فروردین ۹۵ خبر قتل یک دختر پنج ساله افغان تبار که در روستای خیرآباد ورامین زندگی می‌کرد، مردم ورامین را در شوک عجیبی فرو برد. روز حادثه، ستایش برای بازی به خانه همسایه‌شان رفت. پسر ۱۶ ساله همسایه به نام امیرحسین او را به اتاقش در طبقه بالا برد. با گذشت نیم ساعت؛ مادر ستایش که نگران دیرآمدن دخترش شده بود، با همسرش تماس گرفت و موضوع را به او اطلاع داد. خیلی طول نکشید که پدر آمد و جست‌وجو را با کمک سایر همسایه‌ها آغاز کردند. آنها در شرایطی دنبال ستایش می‌گشتند که امیرحسین، ستایش را پس از تجاوز به قتل رساند و از دوستش برای نابود کردن جسد دخترک کمک خواست. دوستش نیز موضوع را به پدرش اطلاع داد و او نیز با پلیس تماس گرفت. پلیس هم قاتل ۱۶ ساله را دستگیر کرد. افغان بودن ستایش و کم‌سن بودن قاتل و مقتول از جمله مسائلی بود که به محل بحث و جدل مردم و حتی برخی سیاسیون تبدیل شد. گروهی اصرار به بخشش قاتل داشتند و می‌گفتند شرایط باعث شده تا او دست به قتل بزند، اما عده‌ای دیگر عقیده داشتند قاتل را باید اعدام کرد تا درس عبرت سایرین شود. قاتل کمتر از دو سال در زندان ماند و پس از رسیدن به ۱۸ سالگی در ۱۴ دی ۹۶ به دار مجازات آویخته شد. این در حالی بود که همزمان افرادی که با افشای قتل برای احقاق حق دخترک افغان تلاش می‌کردند با قصاص امیرحسین رنگ عوض کرده و حالا مخالف اجرای حکم قصاص او شده بودند.

## آرمان و غزاله



این اولین بار نیست که پای برخی پرونده‌های قتل به میان مردم کشیده می‌شود. برخی نه موافق قصاص هستند و نه مخالف آن و به نوعی حزب باد هستند و جریان پرونده به هر سمتی در فضای مجازی کشیده شود، به همان سمت غش می‌کنند. آنها هر وقت بحث قصاص مطرح می‌شود، در شبکه‌های اجتماعی فعال می‌شوند. ابتدا مدافع خون مقتول هستند و در روزهای پایانی پرونده رنگ عوض کرده و مدافع قاتل شده و سعی می‌کنند از این فضا برای خود صید خوبی داشته باشند. نکته تلخ ماجرا وقتی نمایان می‌شود که اغلب آنها بدون سواد حقوقی درباره پرونده‌ها اظهار نظر می‌کنند. جدیدترین مورد که در فضای مجازی خوب داغ شده، همین پرونده آرمان و غزاله است. قبل از اجرای حکم درگیری عجیبی میان کاربران فضای مجازی در گرفته بود و موافقان و مخالفان اعدام با یکدیگر بحث و جدل می‌کردند و حتی کار به فحاشی هم کشیده شد. عده‌ای مصرانه می‌گفتند نباید به خانواده غزاله فشار آورد و از آنها خواست آرمان را ببخشند. در شرایطی که بسیاری در انتظار تعیین سرنوشت آرمان بودند، چند ساعت قبل از اجرای حکم خبر رسید اجرای قصاص به دلایل نامعلومی دوباره متوقف شده و شنبه ۲۴ مهرماه آرمان قصاص می‌شود اما شامگاه جمعه دوباره اجرای حکم متوقف شد. حالا باید دید پس از گذشت هفت سال و بحث و جدل‌هایی که در مورد اعدام او در گرفته، در نهایت سرنوشت چه خوابی برای آرمان دیده است.

امروز برای اجرای حکم آرمان تعیین شده بود و اگر زمان اجرای آن تغییر نکند، در زمانی که این گزارش را می‌خوانید سرنوشت او توسط اولیای دم مشخص شده است

شبهلا جاهد و لاله سحرخیزان

## شبهلا جاهد و لاله سحرخیزان



شبهلا قاتل است و باید اعدام شود. با تمام ابهامات احتمالی که وجود داشت، اما پرونده زندگی شبهلا هم در ۱۰ آذر ۸۹ برای همیشه بسته شد و او را از قتل لاله را با خود به گور برد.

پرونده شبهلا جاهد هم از جمله پرونده‌هایی بود که واکنش‌های زیادی همراه داشت. خدیجه جاهد معروف به شبهلا، همسر موقت ناصر محمدخانی فوتبالیست معروف تیم پرسپولیس بود که لاله سحرخیزان، همسر دائمی او را ۱۷ مهر ۸۱ در خیابان کتابی تهران به قتل رساند. محمدخانی و جاهد اولین بار در بازار با هم آشنا شدند و شبهلا که آن زمان دختر نوجوانی بود به محمدخانی دل بست. یک بار به در خانه محمدخانی رفت که به گفته خودش با سردی او رانند، اما این باعث نشد از عشق او به محمدخانی کاسته شود. چند سال بعد شبهلا دوباره با تلفن همراه محمدخانی تماس گرفت و از مشکلاتش گفت، کم‌کم رابطه این دو بیشتر شد و شبهلا به ازدواج موقت محمدخانی درآمد، اما بنا بر گزارش‌ها، شبهلا تحمل رقیب ران داشت و برای همین یک روز در خانه لاله کمین کرد و شب هنگام او را به قتل رساند. فردای روز جنایت، جسد مادر توسط دو فرزند محمدخانی کشف و پس از آن ماجرا به سرعت به پلیس تهران گزارش شد. آن زمان محمدخانی به همراه تیمش در خارج از کشور بود که به محض اطلاع از قتل همسرش، خودش را به تهران رساند.

دادگاه‌های شبهلا تشکیل و در آن قاتل بودن یا نبودن شبهلا بررسی شد. در این پرونده هم گروهی معتقد بودند دلایل کافی برای قاتل بودن شبهلا وجود ندارد، اما عده‌ای دیگر اعتقاد داشتند